

دکتر علی اکبر ولایتی در نشست صمیمانه با خانواده‌های داغدار حادثه واحد علوم و تحقیقات:

خودم را متعهد به احقاق حقوق دانشجویان حادثه‌دیده می‌دانم

رئیس هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی روز گذشته در فضایی صمیمانه با خانواده‌های داغدار دانشجویان فرهیخته حادثه دردآور و تأسف‌بار واحد علوم و تحقیقات دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار خانواده‌های دانشجویان نیز نقطه‌نظرات و دغدغه‌های خود را مطرح کردند.

ولایتی در ابتدای این نشست ضمن عرض تسلیت مجدد و ابراز همدردی با خانواده‌های داغدار گفت: «بنده نیز در کنار شما خانواده‌های محترم، سوگوار از دست دادن این عزیزان هستم و خود را موظف می‌دانم علل حادثه را در مراجع ذی‌صلاح حقوقی و قضایی با جدیت پیگیری

کنم.» رئیس هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه تأکید کرد: «دانشگاه آزاد اسلامی در کنار و همراه شما پیگیر علل و عوامل این حادثه بوده و اینجانب خود را متعهد می‌دانم اقدامات لازم را در جهت احقاق حقوق این عزیزان داشته باشم. این دانشجویان عزیز در راه علم تلاش کردند و براساس حدیث نبوی: «اذا جاء الموت لطالب العلم و هو علی هذه الحاله مات و هو شهید: هرگاه جوینده دانش در حال آموختن علم، مرگش فرارسد شهید مرده است.» به سهم خویش در جهت رفع آلام، مشکلات و التیام‌بخشی به درد و اندوه خانواده‌های عزیز،

از هیچ کوشش معنوی و مادی فروگذار نخواهم کرد.» در این نشست که دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز حضور داشت، ابراهیم کلانتری، معاون فرهنگی و دانشجویی گزارشی از پیگیری‌های صورت‌گرفته پیرامون این حادثه ارائه داد و در ادامه تعدادی از اعضای خانواده‌های این عزیزان به بیان نقطه‌نظرات و دغدغه‌های خود پرداختند. در پایان رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز ضمن ابراز تسلیت مجدد و همدلی به خانواده‌های داغدار اطمینان داد که دستورات رئیس هیات امناء و هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی را تا حصول نتایج قطعی با جدیت پیگیری خواهد کرد.



«فرهیختگان» به بهانه گفت‌وگوی انتقادی موسوی خوئینی‌ها مشی انتخاباتی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را بررسی کرد

چالش با دموکراسی

فرهیختگان سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در گفت‌وگوی اخیرش از دور زدن‌های قانون توسط اکبر هاشمی‌رفسنجانی سخن گفته و وی را عملکردایی خوانده که معتقد بود باید در مقابل اهداف سیاسی‌اش موانع کنار زده شود و اصلا برایش مهم نبود که در این میان اقدامات قانونی یا غیرقانونی است یا حقی از بین می‌رود یا نه. گفت‌وگوی خوئینی‌ها با «ایرنا» روز گذشته همزمان در ارگان رسمی کارگزاران نیز منتشر شد. پدر معنوی اصلاحات گفته است هاشمی اعتقادی به رای مردم نداشت و درخصوص انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ نیز اشاره داشته که از رای‌آوری خاتمی مطمئن نبودند و از طرف دیگر گفته می‌شد بناست همان کسی را که می‌خواهند روی کار بیاورند، از این رو با مهدی کروبی به دیدار هاشمی رفتند. در آن دیدار هاشمی تأکید کرده بود «اتفاق من با آقای خامنه‌ای در این مورد اختلاف نظر دارم؛ آقای خامنه‌ای نظرش این است که باید انتخابات خیلی پرشور باشد و مردم همه بیایند و هرچه مردم بیشتر بیایند، بیشتر تأیید نظام است اما من می‌گویم شما بگویید نظر تان چه کسی است ما همه می‌رویم کار می‌کنیم

دیکتاتوری نافرجام

روزی که حزب کمونیست چین پیشنهاد برداشته شدن محدودیت دودوره‌ای برای رئیس‌جمهوری این کشور را مطرح کرد و ارگان رسانه‌ای حزب کارگزاران با تیتُر «زنده باد دیکتاتوری» به استقبال آن رفت، به تفصیل نوشتیم که مشابه این ایده روزگاری در ایران نیز تجربه شد و نام خیلی‌ها را در تاریخ ماندگار کرد. ماجرا از این قرار بود که با نزدیک شدن به پایان دولت دوم هاشمی، اطرافیان رئیس‌جمهور وقت، به صرافت افتادند تا به هر قیمتی که هست، هاشمی را در دولت ماندگار کنند. نخستین گام برای اجرای این سناریو را می‌توان به اظهارات عطاءالله مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی دولت در گفت‌وگو با روزنامه انگلیسی‌زبان «ایران‌نیوز» حدود یک سال پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۶ نسبت داد.

مهاجرانی در این مصاحبه به نقد محدودیت قانون اساسی درخصوص عدم امکان حضور مستمر بیش از دو دوره شخصیت‌هایی چون هاشمی در مسند قوه مجریه پرداخت و ضمن غیراصولی خواندن آن خواهان رفع این مانع قانونی شد. همان روزها روزنامه «سلام» نیز در این باره نوشت در راهروهای مجلس شایعه شده تعدادی از نمایندگان، که اکثریت قریب به اتفاق آنها را طرفداران کارگزاران تشکیل می‌دهند، درصدد تهیه یک طومار به حمایت از آقای هاشمی‌رفسنجانی و درخواست تمدید دوره ریاست‌جمهوری هستند. طولی نکشید که این شایعات حسابی جدی شد و کم‌کم رزمه بازنگری در قانون اساسی هم در فضای سیاسی و رسانه‌ای به میان آمد. عبدالله نوری، نماینده مردم تهران در دستگاه قانونگذار کشور هم با تأکید بر اینکه مصلحت و منفعت کشور در تمدید ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی برای سومین بار است، تأکید می‌کرد که نباید با استناد به منع قانون اساسی دست‌های خود را بندیدم. او حتی تلاش داشت این سناریو را از محافل سیاسیون به جامعه کشاند و ماجرا را قدری اجتماعی هم بکند؛ به همین واسطه از مردم می‌خواست برای قدردانی از هاشمی‌رفسنجانی و استمرار برنامه‌های سازندگی و توسعه کشور نگذارند رئیس‌جمهور کنار برود. مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور نیز ایده ریاست‌جمهوری را این‌طور توجیه می‌کرد که دوره ریاست‌جمهوری رکن (قانون اساسی) نیست و از این رو می‌توانیم درباره انتخاب برای سومین بار یک نفر به‌عنوان ریاست‌جمهوری صحبت کنیم. قرائن این تلاش‌ها البته یکی دوتا نبود و موارد زیادی را دربر می‌گرفت.

حسن روحانی، نایب‌رئیس وقت مجلس، در راستای زمینه‌سازی برای پیشبرد این ایده، قانون اساسی را نوکر نظام می‌دانست و می‌گفت انسان‌های استثنایی و شایسته در قالب قانون نمی‌گنجند.

حسین مرعشی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور هم کشور را محتاج خدمات هاشمی خواند و از رئیس‌جمهور خواهش کرد مقابل این خواست عمومی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکند. با درنظر داشتن نوع مناسبات هاشمی و اطرافیانش بعید به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این تلاش‌ها بدون تأمین نظر او صورت گرفته باشد؛ تلاش‌هایی که اگرچه همزمان با سکوت رئیس‌جمهور وقت روزه‌روز شدت می‌یافت، اما درنهایت با مقاومت‌های ساختاری موجود راه به جایی نبرد. شاید به همین خاطر بود که با ناکام ماندن تلاش‌ها او بالاخره در این باره اظهارنظر کرد و در جمع آئمه جمعه سراسر کشور گفت تغییر قانون اساسی با هدف تمدید دوره ریاست‌جمهوری به مصلحت کشور نیست و بالاخره روزی باید این جابه‌جایی پیش آید و بهتر است با قانون اساسی هماهنگی داشته باشد. رهبری هم ضمن مخالفت جدی با این رویه تصریح کردند که «آقای هاشمی رئیس‌جمهور محترمی است که انصاف و حقا عمر و زندگی خود را وقف اسلام کرده»، اما بعد از پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری «می‌توانند در مسئولیت‌های دیگری خدمت کنند.»

بازی با کارت کارگزاران در انتخابات مجلس پنجم

سال‌های میانی دولت دوم هاشمی در حالی سپری می‌شد که اختلافات او با مجلس چهارم رفته‌رفته بالا گرفته بود. مجلس که اکثریت نمایندگان منتسب به جناح راست را در خود جای داده بود، در موارد زیادی مقابل دولت مستقر ایستاده و دست‌رد به برخی رویکردها و جهت‌گیری‌های آن زده بود. مصداق‌های این رویه را می‌توان در انتقادات به رویکرد دولت در سازندگی کشور (که به اعتقاد جریان راست، عدالت اجتماعی را زیر سوال می‌برد و صدمات زیادی را به اقشار محروم جامعه وارد می‌کرد)، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی، افزایش تورم، نحوه اجرای سیاست تعدیل اقتصادی و فضای بسته سیاسی و فرهنگی و نیز استیضاح چند تن از وزرا پرشمرد؛ شرایطی که حسابی بر مناسبات میان دولت و مجلس سایه انداخت و حتی منجر به اختلافاتی در روند تصویب لایحه برنامه پنج‌ساله دوم شد و اجرای آن را یک سال به تأخیر انداخت.

این اختلافات در میانه‌های سال ۷۴ و هنگامه نهایی کردن لیست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز برای مجلس پنجم به اوج خود رسید؛ جایی که اصرارهای رئیس‌جمهور برای قرار دادن نام پنج نفر از اطرافیان خود ازجمله‌فائزه هاشمی، عبدالله نوری، محسن الویری و... در لیست جامعه روحانیت بی‌نتیجه ماند. همین موضوع باعث شد هاشمی راه دیگری را برد و به فکر تصاحب کرسی‌های بیشتری از مجلس بیفتد تا هم در دو سال پایانی باری از دوش دولتش برداشته باشند و هم مرام و تفکر او بعد از ۷۶ همچنان نمایندگانی را در ساختار حکومت در اختیار داشته باشد. این گونه شد که دو ماه مانده به انتخابات، تعدادی از مدیران اجرایی او اعم از ۱۰ نفر از وزرا، چهار نفر از معاونان رئیس‌جمهور، شهردار تهران و رئیس کل بانک مرکزی از حزبی با عنوان کارگزاران سازندگی رونمایی کردند؛ حزبی که تاسیسیش اعلام موجودیت راست‌مدرن در فضای سیاسی و انشقاق آن از راست سنتی تفسیر می‌شد.

حزب اطرافیان رئیس‌جمهور اگرچه به فاصله کوتاهی از اعلام موجودیت با تذکر رهبر انقلاب اصلاحاتی را در شورای مرکزی خود اعمال کرد، اما به هر روی موفق شد به واسطه چسبندگی‌اش به دولت مستقر، در اولین حضور انتخاباتی خود، موفقیت بزرگی را کسب کرده و ۹۰ نفر از نامزد‌های خود را راهی مجلس کند. در حقیقت هاشمی توانسته بود تهدید انتخاباتی خود را عملی کرده و نتیجه مطلوب را هم کسب کند. او همان موقع به شیوخ راست گفته بود که در صورت مخالفت با حضور آن پنج نفر لیستی جداگانه خواهد داد. هرچه بود، فضا به سمتی رفت که این لیست درنهایت از سوی یاران او منتشر شد و به اتکالی حزب پشتیبانش، اکت‌های تاریخ‌سازی را در سال‌های بعد از خود به جای گذاشت؛ اکت‌هایی که پیگیری ایده تغییر قانون اساسی و مادام‌العمر کردن ریاست‌جمهوری هاشمی در همین دوره مهم‌ترین آنها بود.

مهندسی انتخابات

«مهندسی انتخابات» کلیدواژه‌ای است که برخی آن را از الزامات بازی در میدان سیاست و سیاست‌ورزی می‌دانند و در مقابل برخی دیگر آن را مغایر با مردمسالاری تعریف می‌کنند. صاحبان دیدگاه اول مشارکت حداکثری را غیرضروری دانسته و از دموکراسی مدیریت‌شده و تنظیم مشارکت مردم سخن می‌گویند؛ دیدگاهی که اکبر هاشمی‌رفسنجانی به سردمداری‌اش شهره است و موسوی خوئینی‌ها در گفت‌وگوی اخیرش بار دیگر بر این مساله تأکید کرده است. پیش از این نیز به کرات از طرف سیاستمداران چپ و راست بر این دیدگاه آیت‌الله تصریح شده بود. رویه انتخاباتی هاشمی‌رفسنجانی نیز بر این امر صحه می‌گذارد. انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۷۲ و ۷۶ نمونه‌هایی از این نوع نگرش است.

به‌رغم آنکه بعد از انتخابات سال ۷۶، برخی از اصلاح‌طلبان به صورت قطعی در مقابل هاشمی‌رفسنجانی قرار گرفتند، ولی اثرگذاری وی در رای‌آوری کاندیدای متبوع‌شان را هیچ گاه کتمان نمی‌کنند. تجربه هاشمی به‌درستی به او گوشزد می‌کرد که بعد از دو دوره دولت سازندگی، پیروز انتخابات کسی است که در مقابل تفکر رئیس دولت سازندگی قرار گیرد؛ بدین ترتیب ناطق نوری در افکار عمومی نماد تفکر هاشمی شد و خاتمی در مقابل این تفکر! بر این اساس اگرچه سیاست‌های اعلامی رئیس دولت سازندگی به حمایت هاشمی از شیخ نور خلاصه می‌شد، ولی سیاست‌های اعمالی وی حکایتی دیگر داشت. جریان چپ از مدت‌ها پیش از انتخابات، در افکار عمومی این گونه القا کرده بود که شیخ نور، کاندیدای از پیش تعیین‌شده حاکمیت است.

در همین راستا خطبه نمازجمعه هاشمی‌رفسنجانی بر احتمال تقلب در انتخابات به نفع ناطق نوری صحه گذاشت و از این طریق افکار عمومی را برای رای‌دهی به محمد خاتمی تهییج کرد. تا آنجا که رئیس دولت اصلاحات نیز آن خطبه را در رای‌آوری‌اش اثرگذار می‌داند. نکته قابل توجه اینکه هاشمی‌رفسنجانی بارها تصریح کرد در آن انتخابات به قول خودش به شیخ ناطق رای داده و کرباسچی و دیگر نزدیکانش نیز بر این رای صحه گذاشتند، با این حال قابل کتمان نیست که حزب کارگزاران سازندگی همواره چشم‌شان به تأکیدات آیت‌الله بود و به اشارت وی اقدام می‌کردند؛ اشارتی که کارگزاران را به ستاد انتخاباتی خاتمی تبدیل کرد، تا آنجا که غلامحسین کرباسچی، دبیرکل کارگزاران سخنران بزرگ‌ترین میتینگ انتخاباتی رئیس دولت اصلاحات بود.

در سال ۷۲ و ششمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، هاشمی‌رفسنجانی که در انتظار دومین دوره ریاست‌جمهوری خود بود، در کتاب خاطراتش از رقیب‌تراشی‌های ساختگی برای نشان دادن رای‌آوری خود سخن می‌گوید. وی در خاطره روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۲ خود نقل کرده که به محمد غرضی، وزیر کابینه‌اش تأکید کرده به دنبال این است که کسی به‌عنوان رقیب انتخابات در صحنه باشد؛ تأکیدی که دو روز بعد (سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۲) در خاطرات هاشمی به کاندیداتوری عبدالله جاسبی منجر شده است: «عصر شورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت... با دکتر عبدالله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی صحبت شد که در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد شود تا صحنه بی‌رقیب نباشد. دیروقت به خانه رسیدم. عفت هم که از جلسه مراسم تقدیر معلمان نمونه آمده بود، کلی تعریف کرد. آقای عبدالله نوری، وزیر کشور هم تلفنی از خالی بودن صحنه از رقابت در انتخابات اظهار نگرانی کرد که گفتم قرار شده فردا دکتر جاسبی اسم بنویسد.»

اگرچه در ادامه کاندیداتوری احمد توکلی، خیلی برنامه‌ها را آن‌طور که باید پیش نبرد؛ «یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۷۲: ساعت هشت‌ونیم صبح دفترم بودم. آمار قطعی انتخابات اعلان شد: ۶۳/۱ درصد من و بقیه، سه نفر دیگر؛ به نظرم آرایم کم و تلخ است.»

سریال تشکیک در انتخابات

قرائن تاریخی مختلف بیانگر آن است که رویه هاشمی در انتخابات‌های مختلف عمدتا از یک قاعده مشخص تبعیت می‌کرده. قاعده‌ای که عبارت است از تمکین مشروط به نتیجه انتخابات. مشروط از آن جهت که او صرفا نتیجه انتخابات‌هایی را حاصل رای واقعی مردم می‌دانست که نام خود یا گزینه‌های مورد حمایتش از صندوق‌های رای بیرون آمده باشند.

به بیان دقیق‌تر مروری کوتاه بر دوره‌های مختلف انتخابات نشان می‌دهد هاشمی عمدتا شکست‌های انتخاباتی را به پای تخلفات رقیبا نوشته و در پاره‌ای موارد حتی ابطال انتخابات را نیز خواستار شده است. به‌طور مشخص، انتخابات ریاست‌جمهوری نهم درحالی برگزار شد که تنها چند هفته بعد از روز رای‌گیری، هاشمی در مصاحبه‌ای با القای تردید درباره نتیجه انتخابات و طرح ادعای دستکاری آرای مردم سعی کرد نتیجه به بار آمده را مخدوش جلوه دهد. او همچنین با صدور بیانه‌ای در این باره، انتخابات برگزار شده توسط وزارت کشور دولت اصلاحات را زیر سوال برد و در دیدار با حزب اراده ملت نیز مدعی شد درمرحله دوم، استاندارها کار را به کلی رها کردند و اصلا کاری نداشتند که چه چیزی در صندوق‌های رای اتفاق می‌افتد؛ از این رو «هرچه خواستند در صندوق ریختند و هر چه خواستند خواندند!»

این البته اولین باری نبود که هاشمی شکست در انتخابات را این گونه توجیه می‌کرد. او پیش‌تر درباره انتخابات مجلس ششم- سال ۷۸- نیز ادعای مشابهی را مطرح ساخته بود. هاشمی در گفت‌وگویی که بعدها با کیهان انجام داد، به بخش‌هایی از اقدامات گسترده‌ای که اصلاح‌طلبان برای رای‌نیابردن وی انجام داده بودند، اشاره و تصریح کرد: «با همه تبلیغات، اگر آنچه را که در صندوق بود، درمی‌آوردند؛ غیر از این می‌شد.»

رویه زیر سوال بردن سلامت انتخابات دست‌کم یک‌بار دیگر نیز تکرار شد. هاشمی که از چند ماه مانده به انتخابات ۸۸ موضوع صیانت از آرا را پیش کشیده بود، یک‌ماه قبل از انتخابات کار را از مرز شبیه و تردیدافکنی گذراند و در تریبون نمازجمعه از مجریان برای سلامت انتخابات تضمین خواست. او تأکید کرد:

«مسئولان باید سلامت انتخابات را برای جامعه تضمین کنند تا مردم با خیال راحت پای صندوق‌های رای حضور داشته‌باشند.»

او در روزهای آزارم و مغشوش بعد از انتخابات نیز ترجیح داد در مواجهه با اتهام تقلب، سکوتی حمایت‌آمیز را پیشه کند و در آتش ابهامات تولید شده از سوی کاندیدا‌های شکست خورده، بدمد. خطبه‌های هاشمی در نمازجمعه ۲۶ تیرماه ۸۸ نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. خطبه‌هایی که گفته‌های هاشمی در آن به‌نوعی تأیید ادعای تقلب و دست‌کاری در آرای مردم به‌شمار می‌رفت. او در فرازهایی از خطبه خود اظهار داشت: «ما انتخابات را بسیار خوب آغاز کردیم، اما متأسفانه در روزهای پایانی تردیدهای ناراحت‌کننده میان مردم به‌وجود آمد که ضربات سنگینی بر انقلاب و نظام وارد کرد.»